

تعدیل واحدهای اداری

(نگاهی به یکی از خواسته‌های رهبر شهید استاد مزاری)



ابراهیمی غرjestانی

ضرورت تقسیمات کشوری

سرزمین در کنار حکومت و ملت، یکی از سه عنصر اصلی تشکیل دهنده کشور و حیاتی‌ترین عنصر مادی شکل‌گیری آن است اگر سرزمین نباشد، ملت و حکومتی تشکیل نمی‌شود. هر سرزمین نیز به منظور مدیریت و اداره بهتر نیازمند تقسیم‌بندی به همراه واگذاری اختیارات به سطوح پایینتر است.

ایجاد نظم، امنیت، رفاه و عدالت از کارویژه‌های یک نظام‌های سیاسی است و انتظار می‌رود هر دولتی خود را در قبال این مفاهیم مسئول بداند؛ اما دست‌یابی به این اهداف منوط به ایجاد زیرساخت‌های واقع‌بینانه و برنامه‌ریزی علمی و منطبق با واقعیت‌های جاری در یک سرزمین است، تمرکززدایی و ایجاد واحدهای اداری بر اساس معیارهای معقول و ضوابط علمی یکی از فاکتورهای مهمی است که زمینه بهره‌مندی تمام اتباع کشور را از امکانات و منابع ملی فراهم کند. به بیان دیگر؛ نظام تقسیمات کشوری، بستری برای حکومت قانون، کارآمدی دولت و مقابله با تمرکزگرایی است از همین رو نظام‌های سیاسی در سراسر دنیا روند رشد و مسیر توسعه را از همین طریق تعقیب کرده‌اند.

افغانستان و تقسیمات کشوری

مرزهای کنونی افغانستان در زمان امیر عبدالرحمان خان ۱۸۸۰-۱۹۰۱ در پی یک سلسله جنگ‌ها و کشتارهای وسیع تثبیت گردید و آن زمان تا دوران ظاهرشاه واحدهای اداری کوچک شکل نگرفت و مملکت در قالب پنج، گاهی شش

ولایت بزرگ و چند تا «حکومت اعلی» یا ایالات فرعی اداره می‌شد. در سال ۱۳۴۳ مطابق قانون تشکیلات ولایات تغییرات و تقسیم‌بندی جدیدی در ساختار اداری کشور به اجرا درآمد و افغانستان به ۲۸ ولایت تقسیم شد. تشکیلات سیاسی اداری جدید، اما به گونه‌ای تعریف گردید که بخش وسیعی از اتباع کشور در مناطق مرکزی به شکل هدفمند به حاشیه رانده می‌شد. هیچ مرکزیت عمده‌ای در هزاره‌جات واقع نشد و مردم آن سامان به رغم وفاداری به کشور و حمایت از نظام‌های حاکم مجبور بودند برای دادخواهی، رفع منازعات و حل مشکلات حقوقی چندین شبانه روز راه پیمایی کنند تا به «مرکز ولایت» شان برسند. امتیازات و حمایت‌های خرد و کلان دولت تحت عناوین سرک، مکتب، کلینیک و... نیز به «ولایت» تعلق می‌گرفت و مردم محروم و دور افتاده از مرکز، از این پروژه‌ها حتی خبر نمی‌شدند. در دوره‌های بعدی هرچند تغییرات جزئی اتفاق افتاد؛ اما شاکله اصلی همان بود که در زمان ظاهرشاه پی ریخته شده بود.

تقسیم بندی واحدهای اداری باید بر اساس ملاک‌های منطقی و منطبق با واقعیت‌های کشور باشد، تا بتواند منافع ملی را تأمین کند، از همین رو تقریباً در همه کشورهای دنیا یک سری شاخص‌های مشترک وجود دارد مثل جمعیت، وسعت و قلمرو، میزان قابلیت دسترسی و فاصله، همگونی طبیعی، فرهنگی و... اما در تقسیمات کشوری افغانستان عوامل رسمی و غیر رسمی، در مقاطع مختلف و به شکل آشکار و پنهان، سیاست واحدی را تعقیب کرده‌اند و آن بی‌اعتنایی به خواسته‌ها و

صورت می‌گرفت تا از انسجام بخشی و ایجاد مرکزیت واحد در جغرافیای هزاره‌جات جلوگیری به عمل آید. بر همین اساس چندین اُسوالی پرنفوس دایکندی، خدیرو شهرستان باید از ترینکوت ارزگان فرمان می‌بردند، مردم لعل و سرچنگل باید به چغچران مراجعه کنند، بهسود به میدان شهر، ولسوالی‌های جاغوری، ناهور، مالستان و قره‌باغ به غزنی شیخ‌علی و قل‌خویش به چاریکار، بلخاب، سنگچارک و سرپل به شبرغان و... عامل سوم انگیزه‌های اقتصادی بود. هزاره‌جات تا پیش از نظام سیاسی جدید به جز بامیان ولایت و مرکز مستغلی نداشت بر مبنای این تقسیم‌بندی ناهمگون واحدهای اداری هزاره‌جات از بودجه‌های عمرانی، تولیدی و امکانات رفاهی نیز محروم بودند؛ چون فساد و تبعیض حاکم سد بزرگی در برابر توزیع منابع ملی و امکانات اقتصادی بود.^۲

مطالبه عدالت اداری از گذشته تا امروز

تقسیمات اداری غیر عادلانه از سال ۱۳۴۴ ه. ش. یکی از محورهای اصلی اعتراضات نمایندگان مردم هزاره در شورای ملی در دوره‌های مختلف بوده است. آن‌ها از حکومت می‌خواستند با تعدیل واحدهای اداری بار سنگین مشکلات اقتصادی و اجتماعی را از دوش مردم محروم هزاره کم کنند. استدلال نماینده‌های معترض این بود که در تشکیل واحدهای اداری معیارها و موازینی که مبنای منطقی و حقوقی دارد مورد توجه قرار نگرفته است. آن‌ها به گفته وکیل مقصودی چندین بار در این زمینه درخواستی تنظیم کرده و پس از امضای کل وکلای هزاره‌جات، به شخص شاه سپردند؛ اما پاسخ لازم داده نمی‌شد.^۳ وکلای ملت سه شاخص اصلی را که در ساختار اداری نادیده گرفته شده بود بارها مطرح کردند:

۱. نابرابری جمعیتی

جمعیت اولین معیاری است که باید در تقسیمات کشوری لحاظ گردد تا هم اداره کشور به شکل مطلوبی انجام شود و هم تمام شهروندان فرصت استفاده برابر از امکانات و منابع ملی را پیدا کنند.

اکبرخان نرگس وکیل دوره ۱۲ و ۱۳ شورای ملی یکی از کسانی بود که به ساختار تشکیلات سیاسی اداری محلی سخت

نیازهای میلیون‌ها هموطن محروم و بی‌پشتوانه این مملکت بود که ده‌ها سال مالیات‌های کمرشکن را تحت عناوین مختلف به خزانه حکومت واریز می‌کردند، در عرصه‌های دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور پیشتاز بودند و با تقدیم صدها هزار شهید و مجروح تعهد و صداقت‌شان را برای حفظ حیثیت ملی نشان دادند.

مرحوم حسین نائل می‌نویسد که هدف از انقسام مناطق هزاره‌نشین به ولایت‌های مجاور، از میان برداشتن «مرکزیت هزاره‌جات» بود. این امر این منطقه را از برنامه‌های اقتصادی هم محروم می‌کرد. دستگیر پنجشیری معتقد است که از نظر تشکیلات اداری هزاره‌جات بی‌رحمانه مورد تبعیض قرار گرفته و به بخش‌های متعددی تقسیم گردیده است. سلیمان لایق می‌نویسد: هزاره‌جات به چندین پارچه بی‌ارتباط از شرقی‌ترین ولایات تا غربی‌ترین ولایت کشور مربوط ساخته شده‌اند که این وضع باعث مشکلات و رنج‌های نوینی برای خلق هزاره گردیده است.^۱

دولت‌ها هر چند با شعارهای خوب سعی می‌ورزیدند به اعمال‌شان رنگ و بوی ملی بدهند و رویکرد تبعیض‌آمیز را انکار کنند؛ اما واقعیت‌های اجتماعی چیز دیگری را نشان می‌داد. پریشانی و سرگردانی مردم، فقر و فراموشی در هرکوی و برزن هزاره‌جات بیداد می‌کرد.

ابعاد پیدا و پنهان این اقدامات در قلم و زبان نویسندگان دردمند و نمایندگان دلسوز مردم هزاره در دوره‌های مختلف، منعکس شده است. انجنیر علی‌داد لعلی نویسنده و تاریخ‌پژوه رویکرد خصمانه دولت‌های گذشته را در ایجاد واحدهای اداری نامتوازن برخاسته از سه انگیزه می‌داند: اول: انگیزه روانی؛ یعنی هزاره‌ها اخلاقاً مردم، نظم‌پذیر، آرام و بی‌آزار بودند؛ لذا تعیین واحدهای اداری در این مناطق، متفاوت از معیارهای تعریف شده در جاهای دیگر بود. برخلاف مناطق مشرقی چون پکتیکا و پکتیا و... که مردم به دلیل برخورداری از آزادی عمل، بیشتر مستعد تنش و تشنج بودند پس باید با ایجاد واحدهای اداری بیشتر تحت کنترل قرار می‌گرفتند. دوم: مردم هزاره پس از نسلکشی عبدالرحمان، سال‌ها و نسل‌ها محکوم و مغضوب حکومت‌ها بودند و از عرصه‌های مختلف سیاست، اقتصاد، اداره و آموزش حذف گردیدند؛ لذا به شکل هدفمند تلاش

”

دولت‌ها هرچند با شعارهای خوب سعی می‌ورزیدند به اعمال‌شان رنگ و بوی ملی بدهند و رویکرد تبعیض‌آمیز را انکار کنند؛ اما واقعیت‌های اجتماعی چیز دیگری را نشان می‌داد. پریشانی و سرگردانی مردم، فقر و فراموشی در هرکوی و برزن هزاره‌جات بیداد می‌کرد.

“



عزائمید

۲۰۵

لعل محمد اکبری وکیل دایکندی در جلسه رأی اعتماد به کابینه داکتر عبدالظاهر می‌گوید که اُسوالی دایکندی که از یک سمت تا سمت دیگرش بیش از دوصد کیلومتر وسعت دارد که حاضر شدن شخص در مرکز حکومتی برای انجام کاری یک عالم مشکل بوده ... مراتب به دفعات از طرف الی آن دو منطقه به مراجع ذیصلاح عرض و از طرف وکلای شان در هر دوره یادآوری گردیده؛ ولی از طرف حکومت ترتیب اثر داده نشده. ^۷

۳. عدم دسترسی مردم به نهادهای محلی

عدم دسترسی مردم به نهادهای محلی در دسر و مشقت بسیاری برای مردم داشت. اکبرخان نرگس در جلسه کابینه نور احمد اعتمادی پرسشی را مطرح کرد که انعکاس دهنده همین درد بود: «آیا از ۲۸ واحد اداری محلی یکی هم لازم نبود که در ساحه وسیع هزاره‌جات وسطی برای رفع مشکلات اداری و جبران پسمانی‌های بی‌شمار آن مردم تشکیل می‌شد؟^۸ عبدالحسین مقصودی وکیل دوره ۱۲ و ۱۳ شورای ملی نیز دقیق به همین موضوع اشاره کرده و می‌گوید: «مسئله دیگری که در تقسیمات ملکی جدید بر مردم اُسوالیهای شهرستان و دایکندی که هرکدام در حدود بیش از دوصد هزار نفوس دارد، تعمیل گردید، پیوند دادن منطقه‌شان به ترینکوت، مرکز ولایت ارزگان، در جهت سرگردانی و به فقر کشانیدن هرچه بیشتر مردمان منطقه از نگاه بعد مسافه بود... زیرا زمانی که جناب والی صاحب یا مأمورین عالیرتبه ولایت که یگان بار و دفعهای به مرکز اُسوالیهای مذکور میرفتند، ولایت قندهار، زابل، غزنی، وردک و کابل را طی طریق کرده، از راه اُسوالیهای بهسود و پنجاب ولایت بامیان خود را به مرکز

معترض بود. وی با اشاره به نابرابری جمعیتی، به مواردی استناد می‌کرد که تفاوت فوق‌العاده فاحش داشت، دایکندی یک نمونه بارز بود اُسوالی ای با دوصد هزار نفر جمعیت که در امتیازات سیاسی اقتصادی و فرهنگی از جمله حق داشتن یک وکیل با برخی اُسوالی‌های مشرقی که ده هزار نفر جمعیت داشتند یکسان بود. ^۴

نمایندگانی که از متن مردم برخاسته و مشکلات منطقه و محیط شان را با تمام وجود لمس می‌کردند از هر فرصتی استفاده کرده و علیه این بیعدالتی آشکارا اعتراض می‌کردند رمضان علی شریفی وکیل جاغوری در دوره دوازدهم اُلسی جرگه یکی دیگر از عدالت‌طلبان بود: «قانون اساسی به صراحت می‌گوید مردم افغانستان در مقابل قانون حق مساوی دارند... ما اُسوالی‌هایی داریم که دارای ۱۰۰۰۰ نفوس و ۱۲۰۰۰ نفوس است؛ اما از نظر امتیازات و حقوق با اُسوالی ناور که ۷۰۰۰۰ نفوس دارد مساوی است هر دو یک وکیل در اُلسی جرگه حق دارد ... در تشکیلات باید «توازن نفوس توازن ساحه و مناطق در نظر گرفته شود. ^۵

۲. وسعت جغرافیایی

اکبر خان نرگس در دوره ۱۳ اُلسی جرگه در جلسه رأی اعتماد داکتر عبدالظاهر به عنوان نخست وزیر چنین می‌گوید: «هزاره‌جات که از نظر وسعت اراضی ربع و از نگاه نفوس خمس کشور عزیز ما را تشکیل می‌دهد؛ به نقاط فوق‌العاده دور دست ولایات مجاور تقسیم گردیده که نتوانسته در مرکز خویش یک ولایت را نصیب شوند. بُعد مسافه، عامل سخت طبیعی و ده‌ها مشکل دیگر را ناگزیر متحمل شده‌اند بناءً قضاوت این موضوع به خود جناب شما» ^۶

”

رهبر شهید با یادآوری
خاطرات تلخ گذشته
مکرر بر ضرورت
تعدیل واحدهای تأکید
می کرد: ما سه چیز در
افغانستان می خواهیم:
رسمیت مذهب تشیع،
سهیم بودن مردم ما در
اداره سیاسی کشور،
تعدیل واحدهای اداری.
همه می دانیم که در
گذشته واحدهای اداری
در افغانستان عادلانه
نبوده اند.

“



عزاد امید

۲۰۶

السوالی شهرستان یا دایکندی می‌رساندند. همچنان السوالی لعل و سرجنگل مربوط ولایت غوروات و سایر نقاط دیگر مشکل بالاتر از این داشتند.^۹ شهید مقصودی در جلسه رأی اعتماد به کابینه عبدالظاهر نیز روی این موضوع تأکید می‌کند: «تشکیلات ولایات مخصوصاً هزاره جات کماکان به شکل ظالمانه و خائنانه باقی است... خدا کند حکومت شما در صورت موفقیت رأی اعتماد از این پرنسیب منحوس استفاده نکنید» اما دولتمران به شمول اعتمادی در عمل از همان اصول یا «پرنسیب منحوس» پیروی می‌کردند. در جریان سفر نور احمد اعتمادی به هزاره جات مردم در این قسمت عرایضی را پیشکش کردند؛ اما نتیجه نگرفتند.^{۱۱}

غلام حسین یوسفی وکیل شهرستان در دوره ۱۳ السی جرگه نیز در همین مجلس از صدها قطعه عریضه مردم به «حضور ذات شاهانه مقامات رفیعه» می‌گویند و این که رفتن از شهرستان به ارزگان (مرکز ولایت شان) منوط به عبور از شش ولایت دیگر است^{۱۲}

یکی از پیامدهای این سیاست حکومت، حذف یا به حداقل رساندن هزاره ها در عرصه های سرنوشت ساز بود. آن ها در تصمیم گیری های کلان ملی که بر اساس نمایندگان السوالی ها و ولایات سهم می گرفتند به تمام معنی در اقلیت بودند؛ چون جمعیت کثیر و مناطق وسیع متعلق به این قوم محروم حداکثر در چوکات اداری السوالی قرار گرفته بود و در نتیجه تأثیرگذاری و سهم شان در سرنوشت ملی ناچیز بودند. به گونه ای که طی سال ها از ۲۲۰ نماینده مجلس ملی و مشرانو جرگه از مردم هزاره فقط ده نماینده اشتراک داشتند.^{۱۳} کمونیست ها

که روی کار آمدند نیز تغییری نیامد، هر چند گاهی از «خلق زحمتکش هزاره» نام می بردند. «شورای مرکزی ملیت هزاره» طرحی را تنظیم کرده بود که بر اساس آن به جز بامیان، ولایات پنجاب، بهسود، جاغوری و دایکندی در نظر گرفته شده بود؛ اما دکتر نجیب الله نیز همچون اسلافش فقط به یک وعده بسنده کرد و در جرگه سراسری ملیت هزاره (۱۳۶۶ ه. ش) گفت: تقسیمات اداری در مناطق مرکزی مورد بازبینی قرار خواهد گرفت.^{۱۴}

شهید مزاری و تعدیل واحدهای اداری

شهید مزاری با گفتمان حق خواهی بر مبنای عدالت اجتماعی محور مقاومت در غرب کابل بود، وی مکرر این سخن را با جوانب درگیر در قضایای افغانستان مطرح کرد و مهم ترین معضل مزمن افغانستان را استبداد و انحصار می دانست و می گفت مسئله افغانستان وقتی حل می شود که مدارا و همپذیری نهادینه شود، عدالت اجتماعی، برابری و برادری برقرار شود. در غیر آن ما راهی برای رهایی از بحران های گوناگون نداریم. از نظر آن رهبر فرزانه یکی از مصادیق بزرگ بیعدالتی در افغانستان واحدهای اداری نامتوازن بود. در یک طرف ولایت ها و السوالی های با ظرفیت و جمعیت بسیار، اما محروم از امکانات و منابع ملی و در طرف دیگر مناطقی که با جغرافیا و جمعیت به مراتب کمتر از دسته اول، اما از تمام امتیازات سیاسی، حقوقی و اقتصادی بهره مند بوده اند.

رهبر شهید با یادآوری خاطرات تلخ گذشته مکرر بر ضرورت تعدیل واحدهای تأکید

تعدیل واحدهای اداری در نظام پسا طالبانی

پس از سرنگونی طالبان و روی کار آمدن نظام جدید انتظار میرفت در راستای رفع محرومیت‌های گذشته کاری صورت گیرد؛ از همین رو تعدیل واحدهای اداری با استناد به ماده ۱۳۶ قانون اساسی و سایر موادی که بر عدالت، برابری و حقوق شهروندی تأکید می‌کند؛ بارها از سوی مردم هزاره مطرح شد. پس از مدت‌ها بحث و استدلال سرانجام حکومت پذیرفت که گام ابتدایی را بردارد. در سال ۱۳۸۱ پنجشیر و دایکندی به عنوان دو ولایت مستقل اعلام گردید. حامد کرزی در جایی گفته بود تأسیس ولایت دایکندی ضرورت بود و پنجشیر مصلحت. مردم خسته از تبعیض و تعصب امیدوار بودند که نظام جدید با یک نگرش نوبه معضلات تاریخی کشور مینگرد و روند اصلاحات ادامه می‌یابد؛ اما متأسفانه با گذشت نزدیک به دودهمه تغییر خاصی رخ نداده و همچنان تا حد زیادی همان قواعد و قوانین نوشته و نانوشته دولت‌های گذشته تطبیق می‌شود. تنها هربار با رسیدن فصل انتخابات کاندیداها برای بازار گرمی و به میدان کشاندن مردم به این خواسته‌ها اشاراتی می‌کنند؛ اما با سپری شدن هیجان انتخابات، دوباره همه وعده‌ها به بوته فراموشی سپرده می‌شود؛ چنان که داستان ولایت شدن جاغوری و بهسود سال‌ها است که بر سر زبان‌ها است و مخصوصاً تأسیس ولایت جاغوری شاه بیت شعارهای انتخاباتی کاندیداها بوده است.

پس از حامد کرزی، محمد اشرف غنی شکست «حصر طبیعی» مناطق هزاره‌نشین را مطرح کرد؛ چنین ایده‌ای اگر عملیاتی شود اصلاح واحدهای اداری باید بخش عمده آن باشد؛ اما با تمام تبلیغات و بوق و کرنا و نیز تقاضای مکرر مردم و برخی نمایندگان پارلمان، هنوز کار خاصی صورت نگرفته است. رئیس جمهور غنی یک سال پس از روی کار آمدنش در بیست و دومین سالروز شهادت استاد شهید مزاری اظهار داشت: شهید و حدت ملی بر تعدیل واحدهای اداری و مشارکت عادلانه سیاسی تأکید می‌کرد.^{۱۹} استاد دانش معاون رئیس جمهور نیز تعدیل واحدهای اداری را به‌طور مشخص در هزارستان، در صدر خواسته‌های شهید مزاری عنوان کرد و افزود که این مهم از سوی حکومت تعقیب می‌شود.^{۲۰}

می‌کرد: ما سه چیز در افغانستان می‌خواهیم: رسمیت مذهب تشیع، سهم بودن مردم ما در اداره سیاسی کشور، تعدیل واحدهای اداری. همه می‌دانیم که در گذشته واحدهای اداری در افغانستان عادلانه نبوده‌اند.^{۱۵}

«ما در زمان ظاهر چهار دوره رأی‌گیری داشتیم. وکیل در پارلمان می‌آمدند، از تمام هزاره‌جات که هر ال‌سوالی‌اش یک صد و شصت هزار نفر داشت، سی نفر وکیل می‌آمد و از جنوبی و مشرقی که نفوس هر ال‌سوالی‌اش پانزده هزار نفر بود یک وکیل می‌آمد. تا دو هزار و هشت صد نفر هم یک وکیل داشت... در منطقه دره صوف که یک ال‌سوالی است قبل از انقلاب در زمان ظاهر چهل و سه هزار نفر داشت. ولایتش که مرکز بود هزاره هزار نفر نفوس داشت، آن وقت یک نماینده از ولایت می‌آمد و یک نماینده از ال‌سوالی. در کنار این چهل و سه هزار نفوس یک ال‌سوالی دیگر از برداران اهل تسنن بود که دوازده هزار باشنده داشت. پس دوازده هزار هم یک رأی داشت و چهل و سه هزار هم یک رأی»^{۱۶}

اگر جمعیت افغانستان را ۲۱ میلیون حساب کنیم ثلث آن که هفت میلیون می‌شود، متعلق به ما است؛ اما با همین هفت میلیون یک ولایت به نام به دست هزاره نیست. بامیان که تازه ادعا می‌شود که به نام مردم هزاره است در مرکز همه قومی تاجیک ما هستند.^{۱۷}

ما که ثلث مردم افغانستان را تشکیل می‌دهیم از سی ولایت یک ولایت در اختیار ما نیست. این در کجای عدالت است؟ در کجای قانون است؟^{۱۸}

این سخنان نشان از منطق قوی، درک دقیق و شناخت عمیق رهبر شهید از جامعه افغانستان و ساختار سیاسی حاکم بر کشور دارد. مزاری در دوران جنگ می‌زیست؛ اما دغدغه و اندیشه‌اش حاکمیت صلح و ثبات بر کشور بود. از همین رو برای حل منازعات داخلی طرح‌های اساسی و واقع‌بینانه ارائه می‌کرد نه مقطعی و غیر عملی. روح حاکم بر طرح‌های رهبر شهید، عدالت بود و تعدیل واحدهای اداری را گام ضروری در راستای تخریب بنیادهای ظالمانه‌ای می‌دانست که نظام‌های خودکامه بنیان نهاده بودند.

نمونه‌هایی از تبعیض اداری

۱. جاغوری

ایجاد ولایت جاغوری چند سال است که مطرح است. سال ۱۳۸۵ هیأتی از سوی دولت براساس حکم شماره ۱۲۲ ریاست جمهوری به جاغوری رفت و مناطق را سروری کرده و طی پیشنهاد شماره ۶۳۱۳ به تاریخ ۲۵ میزان ۱۳۸۵ به ریاست جمهوری اعلام کردند که جاغوری واجد شرایط و معیارهای لازم برای ولایت شدن است.^{۲۱}

جاغوری یکی از اُسوالی‌های پرنفوس است؛ اما مسئله تنها کثرت جمعیت جاغوری نیست، مسیرهای ناامن هر روز از مردم قربانی می‌گیرند. مردم جاغوری، ناهور و مالستان گاهی فقط به خاطر یک امضا مجبور می‌شوند صد خطر جان و مال را به جان بخرند تا به مرکز غزنی بروند. موضوع دیگر بن بست است که در جریان انتخابات نمایندگان پارلمان شاهد هستیم و تا هنوز تکلیف آن روشن نشده، به نظر می‌رسد نه «تجزیه جاغوری» راه حل است و نه سهمیه بندی قومی نمایندگی در پارلمان پاسخ می‌دهد، تنها یک راه حل وجود دارد: تشکیل ولایت جاغوری. این اقدام هم بر اختلافات مَهرپایان می‌زند و هم از مشکلات مردم می‌کاهد.

۲. بهسود

بهسود طی سال‌های ۷۵-۷۷ از سوی حزب وحدت یک ولایت تعریف شده بود و بنا بود در نظام سیاسی آینده پی گرفته شود؛ چون از هر لحاظ با برخی ولایات کشور برابری می‌کرد. در نظام سیاسی پس از طالبان بحث «ولایت بهسود» بارها از سوی رهبران سیاسی و برخی وکلای پارلمان به عنوان یک مطالبه جدی مطرح و به نفع آن استدلال شد. در پی همین درخواست‌ها حامد کززی در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری ولایت بهسود و جاغوری را رسماً تعهد داد؛ اما پس از پیروزی به وعده‌اش عمل نکرد.

مردم بهسود اما این مطالبه را از یاد نبرده و تاکنون در فرصت‌های مختلف مطرح کرده‌اند. سال گذشته در شهر کابل در حاشیه یک مراسم عمومی جمعی از وکلا و شخصیت‌های سیاسی، علمی و فرهنگی طومار بلندی را به همین منظور تهیه کردند.

در ۲۲ قوس ۱۳۹۷ بزرگان و نمایندگان بهسود در دیدار با استاد سرور دانش، معاون دوم رئیس جمهور ضمن تأکید بر حضور متوازن همه اقوام در ساختار ادارات محلی و تعدیل واحدهای اداری، تأسیس یک ولایت مستقل را برای اُسوالی‌های بهسود و دایم‌داد به عنوان خواسته اساسی و جمعی‌شان مطرح کردند.^{۲۲} یکی از دلایل مهم مردم بهسود کثرت جمعیت آن‌ها است که در نهادهای انتخابی به خوبی محسوس است. آن‌ها هم اکنون از پنج کرسی اختصاصی اُلسی جرگه ۳ وکیل و از ۱۵ کرسی شورای ولایتی ۸ وکیل دارند. نکته دیگر اما غیبت مردم هزاره از ساختار اداره محلی ولایت میدان وردک است که چند ماه پیش مطابق اسناد منتشر شده از سوی چند تن از نمایندگان پارلمان به ۱٪ هم نمی‌رسد. دره مرگ جلریز معضل امنیتی‌ای رسیدن به مرکز ولایت را چند برابر کرده است؛ لذا مطالبه «ولایت بهسود» براساس شاخص‌های امنیتی، همگونی فرهنگی و کثرت جمعیت کاملاً منطقی و موجه است.

۴. لعل و سرجنگل

لعل و سرجنگل یکی از اُسوالی‌ها بزرگ و پرجمعیت کشور در ولایت غور است. در دوره قبلی پارلمان از مجموع شش نماینده ولایت غور، سه نماینده و در آخرین انتخابات پارلمانی، دو نماینده دارند. متأسفانه به خاطر عدم سرشماری، آمار دقیق از جمعیت ولایات نداریم. چند سال پیش مردم لعل و سرجنگل درخواستی مبنی بر ایجاد اُسوالی سرجنگل با مرکزیت «سفیدآب» به حکومت ارائه کردند که موافقت‌های اولیه صورت گرفت؛ اما نهایه شدن موضوع تا هنوز معطل مانده است هر چند در کمپاین‌های انتخاباتی در صدر وعده‌ها قرار داشته است. در تاریخ ۲۳ حوت ۱۳۹۷ وکلا و بزرگان اُسوالی لعل و سرجنگل این موضوع را با استاد دانش در میان گذاشتند و ایشان ایجاد یک واحد اداری جدید در اُسوالی لعل و سرجنگل را نیاز اساسی دانسته گفت که شخصاً این موضوع را پیگیری خواهد کرد.^{۲۳}

۵. بلخاب و دره صوف

اُسوالی دره صوف هر چند در سال‌های اخیر به دو واحد اداری تقسیم شده است؛ اما مثل بلخاب، بهسود، جاغوری و لعل و

سرجنگل مشکلات مشابه دارند مانند مشکل امنیتی به علاوه دوری از مرکز و عدم رعایت همگونی فرهنگی و بافت جمعیتی.

جمع بندی

واحدهای اداری در افغانستان از ابتدا با رویکرد تبعیض آمیز تشکیل شدند. مناطق وسیعی از هزاره جات سالها فقر و محرومیت و مشکلات را به خاطر این تقسیم بندی نامتوازن و غیرعادلانه متحمل شدند. با این که در دوره های مختلف بزرگان و نمایندگان این مناطق صدای دادخواهی شان را بلند کردند؛ اما دولت های گذشته توجهی نکردند. مبارزه رهبر شهید مزاری برای حق و عدالت بود و یکی از مصادیق حق تلفی و بی عدالتی را در ساختار اداری تبعیض آمیز افغانستان می دید و از همین رو بارها بر «تعدیل واحدهای اداری» تأکید کرد. امروزه بسیاری ها در کاروزار سیاسی مخصوصاً مبارزات انتخاباتی داعیه رهروی راه مزاری را دارند؛ اما باید توجه کرد که وارثان حقیقی مزاری آنهایی هستند که درد مزاری را درک کرده، دل در گرو آرمان های او دارند و برای تحقق اهداف او تلاش می کنند.

دولت در این زمینه تاکنون فقط مشکل دایکندی را حل کرده است؛ اما مناطق دیگر اغلب بر مبنای همان ساختار معیوب قدیم اداره می شود؛ اگر امروزه مشکل بعد مسافت تا حدودی به خاطر توسعه نسبی راه ها و افزایش وسایل نقلیه جدید کاهش یافته است؛ اما چالش های امنیتی چندین برابر شده است. بنابراین، عدل و انصاف اقتضا می کند که حکومت در راستای کاستن از آلام مردم رنج دیده کشورگام های اساسی بردارد. ثبات سیاسی، اقتدار، عزت و وحدت ملی برای هر کشوری از اهمیت بنیادین برخوردار است؛ اما دستیابی به این مقوله های مهم در گرو تأمین عدالت اجتماعی و خشکاندن ریشه های تبعیض و تعصب است و تعدیل واحدهای اداری یکی از اقدامات اساسی است که ما را به این هدف نزدیک می کند.

منابع

۱. همان به نقل از نائل ص ۱۴
۲. لعلی، علی داد، سیری در هزاره جات، انتشارات احسانی قم چاپ اول ۱۳۷۲ ص ۱۱۳-۱۱۶
۳. مقصودی؛ عبدالحسین، هزاره جات سرزمین محرومان ص ۴۹-۵۰ کویته ۱۳۶۸
۴. همان ص ۲۱۳ به نقل جریده اُلسی جرگه سرطان ۱۳۵۰
۵. نایل، حسین، مسائل هزاره جلد ۹ ص ۱۹۲ به نقل از جریده اُلسی جرگه شماره ۱۶، ۱۳۴۵
۶. همان ص ۱۵۲ به نقل از جریده اُلسی جرگه شماره ۲۵ سال ۱۳۵۰
۷. همان ص ۱۶۸
۸. همان
۹. مقصودی؛ عبدالحسین، هزاره جات سرزمین محرومان ص ۴۹-۵۰ کویته ۱۳۶۸
۱۰. نایل، حسین، مسائل هزاره جلد ۹ ص ۱۵۸ به نقل از جریده اُلسی جرگه ش ۲۴، ۱۳۵۰
۱۱. همان ص ۱۶۸ ب نق از جریده اُلسی جرگه شماره ۲۴
۱۲. همان ص ۱۸۰
۱۳. همان ص ۱۱۵
۱۴. نایل، حسین، یادداشت های درباره سرزمین و رجال هزاره جات ص ۷۱ بنیاد اندیشه کابل ۱۳۹۵
۱۵. همان ص
۱۶. احیای هویت مجموعه سخنرانی های استاد شهید ص ۳۶ و ۳۷
۱۷. همان ص ۳۸
۱۸. همان ص ۴۰
۱۹. <https://www.vpo.gov.af/%D8%>
۲۰. همان
۲۱. <https://madanyatonline.com/%DD7/>
۲۲. <https://www.vpo.gov.af/>
۲۳. <https://www.facebook.com/2vpo.af/posts/1>